



در واشنگتن تصمیمات خطرناکی علیه ایران گرفته می شود

اشاره:

دکتر هوشنگ امیر احمدی از جمله کاندیداهای رد صلاحیت شده در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری است وی دارای دکترای برنامه ریزی اقتصادی و توسعه از دانشگاه کرنل نیویورک است و هم اکنون به عنوان استاد دانشگاه و رییس مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه ایالتی زانگورز نیوجرسی مشغول به فعالیت است. افزون بر آن ریاست شورای ایرانیان و آمریکائیهها و بنا نهادن سازمان "سیرا" و نیز حضور موثر در رسمیتارها و موسسات معتبر بین المللی همچون بانک جهانی و بنیاد آقاخان، موجب شده تا وی در بین جامعه علمی ایران و آمریکا شخصیتی شناخته شده باشد.



از دکتر هوشنگ امیر احمدی تا بحال بیش از ده ها کتاب به زبان های انگلیسی و فارسی در آمریکا، اروپا و ایران انتشار یافته است. این چهره شناخته شده جهانی با حرارت از منافع ملی ایرانیان دفاع می کند و می گوید نخستین کتاب به زبان انگلیسی در دفاع از حقانیت مالکیت ایران بر جزایر ایرانی خلیج فارس را من نوشته ام و من هر کجا که باشم از منافع ملی کشورم دفاع می کنم. از دکتر امیر احمدی همچنین بیش از ۲۰۰ مقاله علمی در نشریات معتبر دنیا چاپ شده است لازم به یادآوری است که وی نخستین کسی است که نظریه جامعه مدنی را به واسطه نوشته ها و سخنرانی هایش در ایران مطرح نمود.

دکتر هوشنگ امیر احمدی اهل شهرستان تالش و نزدیک به ۳۴ سال در آمریکا ساکن است با این وجود او همچنان خود را یک میهن پرست می داند با او که فعالیت مستمر علمی در رابطه با ایران و آمریکا دارد به گفت و گو نشستیم به باور وی آینده ایران بزرگترین دل مشغولی اوست. آنچه در پی می آید حاصل این گفت و گوی تلفنی با ایشان است.

گازتبه
شماره ۱۷۴ - فروردین ۸۴
۲۴

اما آیا اروپا و چین در برابر این تحریم ها بویژه تحریم نفت مقاومت نشان خواهند داد؟

آمریکایی ها هر زمان تصمیم گرفته اند کاری را انجام دهند، انجام داده اند و چینی ها معمولاً در مقابل آمریکائی ها مقاومتی نشان نداده اند. روس ها پس از مقابله غر زدن ترمش نشان می دهند اروپائی ها هم که منافع خودشان را دنبال می کنند همین رو به را پیش گرفته اند بنابراین اگر پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ببرند آمریکائی ها موفق به اعمال نظرهاشان خواهند شد.

اگر این اتفاق بیفتد آمریکائی ها نتیجه این تحریم ها را دنبال خواهند کرد سپس بهانه ای را خواهند تراشید و بعد بر خورد های نظامی موضعی

قدرت ایران است. این کشور کوشش خواهد کرد در آینده نزدیک و به بهانه انرژی هسته ای به کمک اروپا و دیگر کشورهای حامی خود پرونده ایران را به سازمان ملل ببرد در آنجا سعی خواهد کرد تحریم های همه جانبه بین المللی را علیه ایران اعمال کند و از همین راه فشارهای سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی با ایران را افزایش خواهد داد.

البته آمریکائی ها شاید در پاره ای مواقع دچار مشکل شوند آنها هنوز عانده اند که نفت را جزو این تحریم قرار دهند یا نه. ژاپن، چین و اروپا به نفت ایران وابسته هستند و بازار نفت هم بسیار حساس است ولی با این وجود آمریکائیها سعی خواهند کرد تحریم علیه ایران را به حداکثر برسانند یعنی نفت را هم به یک شکلی وارد تحریم ها کنند.

مشکل ایران و آمریکا بعد از گذشت نزدیک به ربع قرن قطع رابطه روز به روز پیچیده تر می شود. این روزها نه تنها علانمی از بهبود روابط میان دو طرف دیده نمی شود بلکه این موضوع روز به روز حادث تر هم می شود. ارزیابی شما از وضعیت موجود چیست؟

مشکل اصلی آمریکا با ایران به قدرت ایران و طبیعت مذهبی دولت ایران بر می گردد یعنی آمریکا مسایلی را که مطرح می کند در واقع بهانه ای است برای یک جریان وسیع تری که با ایران دارد. مشکل آمریکا با ایران وقتی حل می شود که مشکل قدرت و طبیعت ایدئولوژیک حکومت ایران برای آمریکائی ها بر طرف شود من تصور می کنم برنامه میان مدت دولت آمریکا حل مشکلات

علیه ساختارهای استراتژیک و زیربنای راهبردی مثل، ارتش، راه، ارتباطات و تکنولوژی را انجام خواهند داد.

متأسفانه آن چیزی که من در واشنگتن می‌شنوم و یا به من می‌گویند نگران‌کننده است بخش‌های فعال نه در حکومت آمریکا بلکه نیروهای فعال کنار حکومت حتی تاریخ حمله را اعلام می‌کنند و می‌گویند مثلاً ۱۸ ماه آینده این اتفاق (حمله نظامی آمریکا به ایران) خواهد افتاد این نیروهای فعال معتقد هستند اگر آمریکا این کار را نکند اسرائیل دست به حمله خواهد زد.

شاید این ایده به ذهن برخی خطوط کند که این نیروها و افراد بلوف می‌زنند اما در مجموع باید دولت ایران این حرف‌ها را جدی بگیرد آن چیزی که من پس از اقامت ۳۴ ساله‌ام در آمریکا آموختم این است که آمریکایی‌ها معمولاً بلوف نمی‌زنند و هر موقع هر کاری را که خواسته‌اند ولو با تأخیر اما انجام داده‌اند اصولاً سیستم سیاسی آمریکا بلوف نیست و حتی اگر موضوعی را با بلوف شروع کنند طبیعت سیاسی آمریکا طوری است که این بلوف خود به خود به واقعیت تبدیل می‌شود به همین دلیل من از حرف‌ها و زمزمه‌های رایج در اینجا نگران هستم و واقعیت این است که در واشنگتن تصمیمات خطرناکی علیه ایران گرفته می‌شود.

من اعتقاد دارم همزمان با تحریم‌های همه جانبه و حملات نظامی موضعی، آمریکایی‌ها نیروهای مخالف و برانداز حکومت که مجاهدین و وابستگان به سلطنت پیشین هستند را به عنوان نیروهای بی‌ثبات کننده حکومت به همراه بخشی از نیروهای تجزیه طلب و جدایی خواه قومی سازمان خواهند داد و اینها را به جان جمهوری اسلامی خواهند انداخت و از این راه برنامه‌های تخریبی خود را به نتیجه خواهند رساند.

اما در خصوص مشکل دوم آمریکایی‌ها با ایران که مشکل رژیم یعنی مشکل طبیعت حکومت ایران است باید گفت که این مشکل را آمریکایی‌ها قادر نیستند به این سادگی در ایران حل کنند اگر بخواهند از راه زور این مشکل را حل کنند باید کاری را که با صلح حسین کردند با ایران نیز انجام دهند و این عملاً غیر ممکن است آمریکایی‌ها از زور دارند که در صورت حمله به ایران یک جریان آشوب‌گر بصورت خودجوش علیه حکومت قیام کند و این جریان از درون موجب سقوط حکومت می‌شود.

اما من با توجه به شناختی که از احساس

ناسیونالیستی ملت ایران و توجه آنها به اسلام دارم بعید می‌دانم چنین اتفاقی بیفتد و ملت ایران پشت سر آمریکا قرار بگیرد بنابراین محاسبه غلط از آب در خواهد آمد.

آمریکا علاوه بر توجه به جریان‌های خودجوش مردمی به نیروهایی از درون سپاه و ارتش هم گوشه چشمی دارد تا یک جریان کودتا راه بیندازد. من اعتقاد دارم که اولاً آمریکایی‌ها موفق به برقراری این ارتباط با ارتش و سپاه نخواهند شد و دوم اینکه نیروهای ارتش و سپاه به دولت مرکزی بسیار وفادار هستند.

تجربه تاریخی این واقعیت را ثابت کرد که ارتش و سپاه مانند ارتش ترکیه و پاکستان جاه طلبی‌های کودتاگرانه را ندارند ارتش‌های این کشورها میان مردم محبوبیت ندارند بنابراین تفکر کودتا در ایران عمل نخواهد کرد و این منتفی است بنابراین آنها برای تغییر رژیم به فکر دیگری مثل استفاده از نیروهای برانداز و مخالف حکومت خواهند افتاد.

برخی تحلیل‌گران معتقدند آمریکا با ایران مثل عراق رفتار خواهد کرد یعنی اگر قرار بر برخورد نظامی باشد آمریکایی‌ها ابتدا پایتخت را خواهند گرفت آیا شما با این ایده موافق هستید؟

شواهد نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها برخی از مراحل عراقی شدن ایران را انجام می‌دهند باید

یادآوری کنم که جنگ آمریکا علیه عراق یک جنگ دو ماهه نبود بلکه یک جنگ ۱۲ ساله بود که از سال ۱۹۹۳ آغاز و تا سال ۲۰۰۲ طول کشید در این مدت آمریکا هر از چند گاهی و به هر بهانه‌ای تمام ساختارهای استراتژیک و غیراستراتژیک عراق را زد همچنین تحریم‌های همه جانبه از قبیل، حملات نظامی موضعی، استفاده از نیروهای برانداز برای بی‌ثبات کردن، ایجاد مناطق پرواز ممنوع برای هواپیماها علیه این کشور اعمال کرد و در این راه تا آنجا پیش رفت که عملاً کردستان عراق را مدت‌ها از مرکز این کشور جدا کرد و بعد از همه این‌ها و در شرایطی که صدام هیچ قدرت تهاجمی و تدافعی نداشت و شرایط حمله همه جانبه به عراق فراهم شده بود به این کشور حمله کرد و در کمتر از ۲ ماه عراق را تصرف کرد.

اما من اعتقاد دارم که این قسمت آخر را آمریکایی‌ها قادر نخواهند بود در ایران اجرا کنند به این دلایل که مساحت ایران چندین برابر مساحت عراق است و مسایل ایران با عراق متفاوت است، ملت ایران با عراقی‌ها فرق می‌کند اما نباید فراموش کرد که قدرت تخریب نظامی آمریکا بسیار بسیار بالاست و نیروهایی که این قدرت تخریب را در دست دارند نیروهای بسیار بی‌رحمی هستند به هیچ یک از قوانین و قراردادهای بین‌المللی جز بمب، توب و موشک گوش نمی‌دهند من معتقدم که برخورد احتمالی





آمریکا با ایران اگر ۵ درصد هم احتمال داده شود باید آن را بیش از پیش و بی نهایت جدی گرفت نباید با سرنوشت کشور بازی کرد باید تمام جوانب را در نظر گرفت.

به نظر شما دولت ایران برای جلوگیری از وقوع چنین بحرانی چه تدابیری اندیشیده است؟

دولت اگر هوشیارانه عمل کند و بتواند مشارکت مردمی را بالا ببرد و از جریان‌ها و نیروهای کشور بویژه در انتخابات خوب استفاده کند آنوقت این نقشه‌ها عقیم خواهند ماند.

آمریکائی‌ها برای براندازی حکومت برنامه‌های مختلفی از قبیل جنگ، استفاده از نیروهای مخالف و برانداز، کودتا و حرکت‌های خودجوش مردمی در نظر گرفته‌اند اما به نظر من اگر حکومت ایران با هوشیاری عمل کند هیچ کدام از این‌ها عملی نخواهد شد.

بخشی از این هوشیاری به آوردن ملت به صحنه در چهارچوب مشارکت مردمی بر می‌گردد. اصلاحات از درون ایران آن چیزی بود که آمریکائی‌ها خیلی انتظار داشتند انجام شود اما نشد از دید آمریکائی‌ها شکست آقای خاتمی در اصلاحات جریان را به ته خط رسانده است.

بنابراین دولت بوش دولت ایران را اصلاح ناپذیر می‌داند و به فکر این نیست که از راه اصلاحات به خواسته‌هایش برسد متأسفانه این تفکر آمریکائی‌ها را به سوی سرنگونی حکومت ایران سوق می‌دهد. از این جهت من نگران انتخابات ریاست جمهوری در ایران هستم که این انتخابات پنهان‌های باشد. تا پیش از پیش این تفکر یعنی اصلاح ناپذیری حکومت ایران به اتخاذ تصمیمات خطرناک‌تر و عملی شدن این تصمیم‌ها انجامد.

در اینجا باید به موضوع دیگری اشاره کنم در آمریکا نیروهای برانداز حکومت چه ایرانی و چه آمریکائی که از نزدیک با هم کار می‌کنند زمانی قدرت می‌گیرند که مشارکت مردم در انتخابات کم شود و انتخابات مشروعیت خودش را از دست بدهد در آن صورت من و طرفداران انتخابات آزاد و اصلاحات در ایران، قدرت نفوذ خود را از دست خواهیم داد و کار به جای خواهد رسید که در صحنه سیاسی آمریکا عملاً ما کنار خواهیم رفت و این نیروهای برانداز جای ما را می‌گیرند خوشبختانه تا اینجا کار ما مانع از وقوع این اتفاق شده‌ایم من نگران این موضوع هستم که هم شکست مذاکرات هسته‌ای و هم برگزاری بد انتخابات به

افزایش قدرت دشمنان حکومت ایران در آمریکا و منطقه منجر شود و این نتایجی بسیار زیانبار را می‌تواند برای دولت و ملت ایران داشته باشد.

بازتاب انتخابات ایران در رسانه‌های آمریکا چگونه بود؟

آمریکائی‌ها روی انتخاباتی که قرار است در ۲۷ خرداد در ایران برگزار شود هیچ حساسی باز نکرده‌اند. این تفکر در آمریکا ریشه دوانیده که در جمهوری اسلامی نمی‌توان انتخابات آزاد و مشروع انجام داد و به همین دلیل مطبوعات رسانه‌های آمریکائی کمترین توجه را به این انتخابات کرده‌اند در واقع عدم توجه آمریکائی‌ها به این انتخابات ایران برایم بسیار عجیب است اینها معتقدند این انتخابات دستاورد شگفت‌آوری را به وجود نخواهد آورد، مشروعیت نخواهد داشت و دولتی که در نتیجه این انتخابات تشکیل خواهد شد دولت مشروعی نخواهد بود در واقع آمریکائی‌ها با این فرض با این انتخابات برخورد کرده‌اند. حالا بعد از اعلام نامزدها آمریکائی‌ها و طرفداران براندازی گروه‌های حامی اصلاحات در ایران را مورد تمسخر قرار می‌دهند. ما در آمریکا تحت فشار هستیم.

در صورت تصاحب صندلی ریاست جمهوری به وسیله هر یک از بین ۸ نامزد آیا این احتمال وجود دارد دولت آینده با آمریکائی‌ها آشتی کند و روابط تهران و واشنگتن پس از نزدیک به سه دهه عادی شود؟

این دولت اگر مشروعیتی مردمی نداشته باشد

و نیروی بزرگی از مردم پای صندوق‌های رای حاضر نشوند دولت بسیار ضعیفی خواهد بود و آمریکا حتی اگر بخواهد با این دولت مذاکره کند از موضع بسیار بالا وارد چانه‌زنی خواهد شد نه تنها هیچ امتیازی به ایران نخواهد داد بلکه هر امتیازی را که بخواهد از ایران می‌گیرد.

ضمن این که من مطمئن نیستم که آمریکائی‌ها در این شرایط وارد مذاکره با این دولت بشود اگر مذاکره صورت بگیرد این مذاکره بسیار نابرابر و به سود آمریکائی‌ها خواهد بود.

از طرف دیگر اگر دولتی تشکیل شد که مشروعیت مردمی نداشته باشد اطمینان دارم که تمامی مذاکرات پشت پرده پنهانی انجام خواهد شد و شفافیت نخواهد داشت. بنابراین هیچ مسوولیت‌پذیری در آن نخواهد داشت و اگر این اتفاق بیفتد و دولت بعدی پنهانکاری کند و با شفافیت با آمریکا مذاکره نکند. آن وقت خسارت وارده به ایران چندین برابر بیشتر خواهد شد برای این که اصولاً آمریکائی‌ها وقتی ایرانی‌ها را به جریان‌های مخفی می‌برند بیشتر سرشان کلاه می‌گذارند آنها در مقابل افکار عمومی ناتوان هستند پس گفت‌وگوی پنهانی با آمریکا خطر بسیار بزرگی است.

متأسفانه جمهوری اسلامی هر زمان با آمریکائی‌ها وارد مذاکره شده پنهانکاری کرده است و دلیلی هم که همیشه ما در این گفت‌وگوها متضرر می‌شویم همین مخفی‌کاری است. به طور مثال دولت ایران کمک‌های زیادی به آمریکا در افغانستان

کرد اما ما همیشه این کمک‌ها را انکار کردیم در مقابل آمریکایی‌ها کوچک‌ترین، حرکتی را که برای ایران انجام می‌دهند در بوق و کرنا می‌کنند و طلب‌کار هم می‌شوند.

بنابراین باید به این واقعیت تلخ اعتراف کنیم که جمهوری اسلامی همیشه به طور مثال مجانی برای آمریکایی‌ها کار کرده و بعد حاشا هم می‌کند. به نظر من این عدم شفافیت و مخفی‌کاری اگر بخواهد در آینده تلاوم داشته باشد ملت ایران متضرر خواهد شد.

من صادقانه اعتقاد دارم اگر دولت آینده یا هر پشتوانه‌ای بخواهد وارد میدان گفت‌وگو با آمریکا شود باید این کار را به طور کامل و با شفافیت انجام دهد. این مهم باید در چارچوب یک استراتژی ملی و در بالاترین سطح حکومتی شکل بگیرد. من باز تاکید می‌کنم گفت‌وگوهای مخفی با منافع ملی سازگاری نخواهد داشت.

آقای دکتر شما فرمودید که آمریکایی‌ها وارد مذاکره با ایران نخواهند شد اگر هم بشوند امتیاز می‌گیرند و هیچ امتیازی به ایران نمی‌دهند از سوی دیگر دولت بعدی هم اگر دولتی باشد که نتواند با رای بالای ۲۰ میلیون تشکیل شود و با رای مثلا کمتر از ۷ میلیون سرکار بیاید در آن صورت بحران روابط ایران و آمریکا به کجا کشیده می‌شود برای برون رفت از این بحران چه پیشنهادی دارید؟

در آن صورت قضیه بسیار مشکل و پیچیده خواهد شد. بخشی در درون آمریکا مثل اسرائیل، نیروهای هوادار اسرائیل، جریان راست این کشور فعالیت دارند که می‌خواهند به این بحران قفل بزنند برای این که آنها هدفشان این نیست که ایران و آمریکا به هم نزدیک شوند و با هم آشتی کنند بر عکس آنها به این بحران دامن می‌زنند چون اینها بر خورد نظامی می‌خواهند اسرائیل می‌خواهد قدرت ایران کاهش پیدا کند متأسفانه باید بگویم که خطر درست روی همین نقطه است از یک طرف این نیروها جریان ایران و آمریکا را به بن بست می‌کشند و از طرف دیگر از این بن بست برای تخریب ایران استفاده خواهند کرد.

نکته مهم این است که درهای روابط میان ایران و آمریکا قفل شده است و کلید آن دست نیرویی است که لزوماً این نیرو آمریکا نیست و به این سادگی نمی‌توان کلید را از آنها گرفت و این در را باز کرد. من تنها راه برون رفت از این مشکل را مشارکت بزرگ مردمی می‌دانم و هیچ راه دیگری

وجود ندارد. یک جریان بزرگ اجتماعی باید دوباره شکل بگیرد و ملت ایران باید دوباره به صحنه بیایند مردم کشور باید دولت را از خودشان بدانند و یک جریانی راه بیفتند که فرصت هر برنامه تهاجمی را از آمریکایی‌ها بگیرد.

اما رد صلاحیت‌های گسترده چه در مجلس هفتم و چه در انتخابات این دوره از ریاست جمهوری موجب رنجش بخش بزرگی از ملت شد کما این که شما نیز یکی از رد صلاحیت‌شدگان این دور از انتخابات ریاست جمهوری هستید با این وضعیت تصور کنید مشارکت مردم اندکی کم رنگ شود؟

از این مساله بسیار متأسف شدم هدف از شرکت در انتخابات و نامزد کردن خود نه رییس جمهور شدن بلکه ایجاد شور و شوق و انگیزه میان ملت بود و اگر ما رد صلاحیت نمی‌شدیم یک نیروی بزرگ اجتماعی وارد میدان می‌شد و شور و حال ایجاد می‌شد و در مرحله نهایی هم آنهایی که باید انتخاب می‌شدند، انتخاب می‌شدند. متأسفانه این فرصت را از ملت ایران گرفتند معتقدم باید جریان را به طور کامل تغییر داد و افراد واجد صلاحیت را وارد میدان کرد.

سیستم سیاسی و انتخاباتی ایران سیستم کاملاً متفاوت و منحصر به فردی است معمولاً در برخی کشورهای دموکراتیک و پیشرفته وقتی حزبی در انتخابات پیروز می‌شود اعضا و طرفداران آن حزب روی کار می‌آیند و اعضای حزب شکست خورده کنار می‌روند این وضعیت در کشورهایی که معمولاً با نظام‌های دو حزبی اداره می‌شوند بیشتر صدق می‌کند آمریکا نمونه بارز این وضعیت است در ایران نیز تقریباً همین وضعیت حاکم است زمانی که چپ‌ها قدرت می‌گیرند محافظه‌کارها و راستی‌ها تقریباً کنار می‌روند و بالعکس اما باید در نظر داشت که وضعیت ایران با آمریکا متفاوت است. آمریکا یک کشور ثروتمند، صنعتی و پیشرفته سیاسی است. در حالی که این شرایط در ایران حاکم نیست و ایران هنوز به آن توسعه‌یافتگی سیاسی نرسیده است.

من معتقدم این اندیشه و رویه باید در ایران شکسته شود چون هنوز بسیاری از نهادها و احزاب ما قانونمند نشده است من به مشارکت تمام گروه‌ها در حاکمیت اعتقاد دارم.

شرایط و وضعیتی مثل کشور آلمان باید در ایران حاکم شود و در آلمان وقتی حزبی شکست خورد از صحنه سیاسی و تصمیم‌گیری این کشور

حذف نمی‌شود بلکه احزاب شکست خورده و کوچک هم به اندازه خود سهمی در حاکمیت پیدا می‌کنند. تمام حرف‌های من این است که نظام سیاسی ایران باید باز شود باید برای مشارکت تمامی احزاب و افراد واجد صلاحیت فراهم شود. در سایه این مشارکت عمومی و مردمی می‌تواند کشوری قدرتمند ساخت.

به بحث غنی‌سازی اورانیوم و معضل روابط ایران با اروپا اشاره کردید این مشکل ممکن است روابط ایران و اروپا در نهایت ایران با آمریکا را وارد مرحله خطرناکی کند آیا تصور می‌کنید ایران بتواند با اروپا به توافق‌های لازم برسد و مشکل حل و فصل شود؟

متأسفانه باید به این موضوع دردناک اشاره کنم که ایران بر روی حق مشروع و قانونی خودش با اروپا و آمریکا مذاکره می‌کند در واقع وضعیت به شکلی است که تهران با اروپایی‌ها چانه می‌زند که حق خودش را کمتر بگیرد غنی‌سازی حق مسلم ایران است و سر آن اصلاً نباید چانه‌زنی کرد.

جناب آقای دکتر امیر احمدی تمایل دارم اندکی شفاف حرف بزنید. اصلاً چرا باید چنین اتفاقی بیفتد و کار به این شکل پیچیده شود؟

علت این که این اتفاق افتاد این است که دولت ایران بخشی از این غنی‌سازی را پنهانی انجام داد و این به دلیل این بود که دولت ایران از آمریکا می‌ترسید که مانع از این کار بشود. بنابراین ترس از مزاحمت‌های آمریکا دولت ایران را مجبور به پنهان‌کاری کرد و این پنهان‌کاری که بعدها کشف شده موجب شد اعتماد بین‌المللی اروپا، آمریکا و کشورهای دیگر از ایران کاهش پیدا کند در واقع ما الان بحران بین‌المللی اعتماد داریم. بین‌المللی عبارتند از، اروپا، آمریکا و چند کشور دیگر. متأسفانه دنیای امروز دنیای تعداد نیست یعنی دنیا، دنیای کیفیت است نه کمیت یعنی همین اندازه که آمریکایی‌ها با کشوری مخالفت کردند و اروپا هم با آنها همراه باشد کافی است و آن ۴ الی ۵ میلیارد نفر دیگر مهم نیست چه نظری دارند.

بنابر این مذاکرات فن‌آوری هسته‌ای یک نمونه از مذاکراتی خواهد بود که دولت بعدی با آمریکا خواهد داشت یعنی اگر دولت مشروعیت مردمی نداشته باشد، مشارکت در انتخابات اندک باشد و مشارکت مردمی در کار نباشد هر مذاکراتی با آمریکا جز این که حقوق ایران را تضعیف کند هیچ سودی برای ایران نخواهد داشت.